

## شبیه‌سازی و عدم تصرف در خلقت الهی

مهدی رهبر<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴)

### چکیده

تولید مثل متعارف نزد بشر به شکل جنسی صورت می‌گیرد. در این شیوه اسپرم و تخمک، زیگوت یا سلول تخم را تشکیل می‌دهند و سپس مراحل جنینی آغاز می‌شود. در شبیه‌سازی، موجود زنده، بدون آمیزش جنسی و دخالت اسپرم تولید می‌شود، بدین‌صورت که از یک سلول جسمی تمایز یافته و ترکیب آن با تخمکی که هسته‌اش برداشته شده، یک موجود زنده کامل متولد می‌شود. شبیه‌سازی در نباتات و حیوانات به اتفاق امامیه و اهل سنت جایز است، ولی در مورد شبیه‌سازی انسانها آراء مختلف است. برخی از فقهای امامیه، قائل به جواز مطلق و برخی قائل به جواز مقید و برخی نیز قائل به حرمت می‌باشند، اما فقهای اهل سنت به اتفاق آن را حرام می‌دانند. از جمله ادله حرمت این عمل، تغییر در خلقت خدا است که در این نوشتار با بررسی ادله مربوط به آن، این نتیجه حاصل می‌شود که این ادله شامل شبیه‌سازی نمی‌باشند و از این حیث نمی‌توان شبیه‌سازی انسانی را تحریم کرد.

**کلیدواژه‌ها:** استنساخ، تغییر خلقت، شبیه‌سازی، سلول بنیادی، تولید مثل، کلونینگ.

### طرح مسئله

از آنجا که تولید مثل انسان از طریق شبیه‌سازی، خلاف رویه متعارف در تولید مثل می‌باشد، این شبهه به ذهن خطور می‌کند که ممکن است این روش، نوعی دخالت در سنت تکوینی الهی و موجب تغییر در خلقت خداوند شود، که اگر این چنین باشد، با استناد به آیات و روایات متعدد و به اتفاق علمای شیعه و سنی، چنین عملی حرام است.

---

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران / rahbarmahdi@yahoo.com

لازمه قضاوت در مورد اینکه شبیه‌سازی آیا موجب تغییر خلقت الهی در تولید مثل می‌شود، یا خیر، آن است که با روش متعارف و سنت خداوند در تولید مثل انسانی آشنا شویم.

تولید مثل در انسانها بر مبنای ترکیب سلولهای جنسی مرد و زن و تشکیل نطفه و پرورش آن در رحم زن است، در آیاتی از قرآن نیز به این روش از تولید مثل اشاره شده است. در سوره اعراف می‌خوانیم:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۖ فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَهَمَرَّتْ بِهِ ۖ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف، ۱۸۹)؛ «خداست آن که شما را از یک تن آفرید و همسرش را از نوع او قرار داد، تا در کنارش بیارامد؛ پس چون با وی در آمیخت، همسرش به نطفه او که باری سبک بود، باردار شد و مدتی را با آن سپری کرد، تا آن که جنینی سنگین شد، و چون بدان گران‌بار گشت، هردو تن (پدر و مادر) خداوند - پروردگارشان - را خواندند و با او چنین پیمان بستند که اگر فرزندی سالم و درخور بقا به ما عطا کنی، قطعاً از سپاسگزاران تو خواهیم بود».

در سوره طارق نیز با اشاره به تولید مثل از طریق سلولهای جنسی، بیان شده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ. يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (طارق، ۵-۷)؛ «انسان (برای اینکه رستاخیز را باور کند) باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است. او از آبی جهنده آفریده شده است که از میان پشت و استخوانهای سینه بیرون می‌آید».

در شبیه‌سازی یا استنساخ که به آن کلونینگ (cloning) (به معنای تکثیرکردن) نیز گفته می‌شود، موجود زنده بدون آمیزش جنسی و دخالت اسپرم تولید می‌شود. بدین صورت که از یک سلول جسمی تمایز یافته مثلاً یک سلول پوست یا یک سلول استخوانی یا هر سلول غیرجنسی دیگر و ترکیب آن با تخمکی که هسته‌اش برداشته شده، یک موجود زنده کامل متولد می‌شود. در شبیه‌سازی تخمک در ساخت جنین نقش اساسی ندارد و چون هسته‌اش برداشته شده، تنها نقش پروراندن جنین را به عهده دارد، از طرفی با ترکیب یک هسته سلول غیرجنسی ۴۶ کروموزومی در درون تخمک، نیازی به اسپرم نیز وجود ندارد و فقط صاحب هسته سلول است که در خصوصیات جنین نقش ایفا می‌کند و صاحب سلول می‌تواند مرد باشد یا زن.

فرزند کلون شده بیش از ۹۸ درصد شبیه صاحب سلول است و تقریباً خزانه اطلاعات ژنتیکی صاحب سلول را به ارث می‌برد و جنسیت او تابع جنسیت صاحب سلول است. مسلماً اگر شبیه‌سازی مصداق تغییر در خلقت الهی باشد، بدون شک حرام است. علت تحریم آیات ۱۱۸ تا ۱۲۱ سوره نساء می‌باشد که در این آیات می‌خوانیم:

«لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَخِدَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا. وَلَا ضَلْنَهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ آدَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. يَعِدُهُمْ

وَيُمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا. أُولَئِكَ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا؛ «خدا او را از رحمت خود دور ساخته است و شیطان به خداوند گفت: من از بندگانت بهره‌ای معین خواهم گرفت و قطعاً آنان را با ترغیب به پرستش معبودانی ساختگی به گمراهی می‌افکنم، و با آرزومند ساختن آنان به سرگرمیها فریشتان می‌دهم و آنان را وامی‌دارم تا گوش دامها را بشکافند (دامهایی را که حلال کرده‌ای حرام بشمارند) و به آنان فرمان می‌دهم تا آفرینش خدا را دگرگون سازند و از مسیر فطرت خارج گردند. و هرکس به جای خدا شیطان را کارساز خویش گیرد، قطعاً زبانی آشکار کرده است، شیطان به آنان وعده‌های دروغ می‌دهد و آرزوهای پوچ در دلشان می‌افکند و شیطان چیزی جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد. آنان جایگاهشان دوزخ است و گریزگاهی از آن برای خود نخواهند یافت.»

با استناد به این آیات، می‌توان گفت که تبعیت از شیطان و تغییر در خلق خدا؛ چون وعده عذاب بر آن داده شده است، از گناهان کبیره و موجب جهنمی شدن انسان می‌شود. شبیه‌سازی نیز اگر مصداق این تغییر باشد، بدون شک حکم حرمت بر آن حمل می‌شود.

علمای اهل سنت با این اعتقاد که شبیه‌سازی انسانی نوعی تغییر در خلقت خدا است و تغییر در خلق، به امر شیطان است و شیطان هم فقط به فساد، فحشا و معاصی امر می‌کند، شبیه‌سازی را حرام می‌دانند (اشقر، ۱۴۲۲ق، ۲۳).

طنطاوی، عبدالعزیز بن باز و یوسف قرضاوی با تأکید بر حرمت شبیه‌سازی انسانی، آن را فعلی شیطانی و مغایر با اختلاف و تنوع در خلقت و قانون ازدواج معرفی کرده و موجب بازیچه گرفتن مخلوقات خدا و تغییر در آفرینش الهی دانسته و به حکم آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف، ۵۶)، آن را موجب فساد در زمین می‌دانند و در نتیجه آن را شرعاً حرام اعلام کرده‌اند (نورمحمدی، ۱۳۸۴ش، ۸۱؛ قرضاوی، ۱۳۸۲ش، ۲۳).

فرید نصرواصل مفتی مصر بیان کرده که شبیه‌سازی عملی شیطانی و از نظر اسلام ممنوع است. محمدسلیمان اشقر فقیه اردنی این کار را مطلقاً حرام می‌داند. مختار اسلامی مفتی جمهوری تونس دلایل فراوانی بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه کرده و عبدالمعطی بیومی استاد عقاید دانشکده اصول‌الدین دانشگاه الازهر نیز شبیه‌سازی را حرام شمرده است (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، ۱۳۸۴ش، ۳۵).

محمد بن صالح عضو شورای علمای الهیات عربستان می‌گوید: من بر این باورم که کمترین مجازات برای افرادی که شبیه‌سازی را اختراع کرده‌اند، قطع دستها و پاهای آنها است، در غیر این صورت باید مجازات اعدام در مورد آنان به اجرا درآید. شبیه‌سازی یعنی دست‌کاری در نوع بشر که این عمل بدترین نوع فساد در زمین است (صارمی، ۱۳۸۲ش، ۳۹).

علمای اهل سنت برای تأیید ادعای خویش به این آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم، ۳۰) نیز استدلال می‌کنند (اشقر، ۱۴۲۲ق، ۲۳). در این آیه خبر از عدم تبدیل خلق خدا است، بنابراین هر تغییری در خلق از جمله شبیه‌سازی، با این آیه مخالفت داشته و نامشروع است.

همچنین بخشی از حدیثی که برای حرمت تغییر خلق به آن تمسک کرده‌اند، چنین است: «عبدالله بن مسعود، زنانی را که خال‌کوبی می‌کنند، زنانی که صورت خود را بند می‌اندازند، زنانی که میان دندانهای خود فاصله می‌اندازند و خلقت خداوند را تغییر می‌دهند، لعن کرد. ام‌یعقوب به او گفت: چرا آنها را لعن می‌کنی؟ او گفت: چرا کسانی را که پیامبر آنها را لعن کرده است، لعن نکنم، در حالی که این مطابق کتاب خدا است» (نسائی، ۱۴۱۱ق، ۶/۴۸۴).

سبب لعن در این روایت، تغییر در اعضا و اجزای بدن دانسته شده است. بر این اساس، دلیل حرمت شبیه‌سازی آن است که این عمل، تغییر خلق محسوب می‌شود، از این رو، طبق آیات و روایات حرام است. متقابلاً بسیاری از فقهای امامیه معتقدند که شبیه‌سازی مصداق تغییر مذکور نمی‌باشد، بنابراین عملی جایز می‌باشد. به این ترتیب در این مقاله، مسئله شبیه‌سازی و نسبت آن با تغییر خلقت مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا به شبهات موجود پاسخ داده شود.

### پیشینه بحث

پیرامون موضوع شبیه‌سازی پژوهشهای مختلف و از زوایای گوناگون انجام شده است، اکثر آثاری که در این زمینه ارائه شده، موضوع محور بوده و در مورد موضوع شبیه‌سازی مطالبی را بیان داشته‌اند. در برخی از این آثار، ذکری از شبهه تغییر خلقت وجود ندارد و در برخی دیگر به اختصار به شبهه مذکور اشاره شده است که لازمه این اختصار، دفع ناقص شبهه و باقی ماندن احتمالات مختلف اطراف شبهه می‌باشد.

آثاری مانند شبیه‌سازی انسان، اثر سید کاظم حائری؛ شبیه‌سازی انسان از دیدگاه فقهای شیعه، اثر سید حسن اسلامی؛ فقه الاستنساخ البشری، اثر سید محمدسعید طباطبایی حکیم؛ الاستنساخ البشری، اثر محمدجواد فاضل موسوی؛ میانی منع شبیه‌سازی انسان، اثر مصطفی السان و شبیه‌سازی، اثر یوسف قرضاوی، به اختصار به مسئله تغییر خلقت پرداخته‌اند.

ویژگی بارز این تحقیق، مسئله محور بودن آن است که به نحو جزئی به یک مسئله از مسائل مربوط به شبیه‌سازی پرداخته است. لازمه مسئله محور بودن آن است که موضوع مورد بحث به دقت و از زوایای مختلف به نحو جامع و مانع مورد بررسی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که پس از بیان تام شبهه، جوابهای آن بیان شده و حتی شبهات احتمالی که در این زمینه ممکن است مطرح شود، پاسخ داده می‌شود.

در این تحقیق شبهه تغییر خلقت در شبيه‌سازی به نحو جامع‌الاطراف بررسی شده و با ارائه ۱۲ جواب حلّی و نقضی و همچنین با استناد به آیات، روایات و دلایل عقلی، شبهه مذکور دفع شده است. به علاوه اینکه برخی از جوابهای ارائه شده در این تحقیق، مختص این نوشتار می‌باشد و در آثار دیگر بحث نشده است.

### مفهوم تغییر در خلقت خدا

اگر مفهوم تغییر در خلقت خدا مشخص شود، می‌توان تشخیص داد که آیا شبيه‌سازی مصداق تغییر می‌باشد یا خیر؟ در ترکیب «تغییر خلق» چون اشاره به خلق نیز شده، لازم است ابتدا به معنای خلق توجه شود:

#### ۱. معنای لغوی خلق

ابن منظور می‌گوید: «خلق در کلام عرب، ابداع چیزی است که مثل آن از قبل وجود نداشته باشد» و از ابن‌انباری نقل می‌کند که «خلق دو معنا دارد؛ یکی انشا به معنای ابداع و دیگری تقدیر». در قرآن نیز آمده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴) و معنای «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»، «احسن‌المقدّرین» است (ابن‌منظور، بی‌تا، ۱۳۹/۵).

#### ۲. معنای قرآنی خلق

واژه خلق در قرآن هم به معنای مصدری (به وجود آوردن و ابداع کردن) و هم به معنای اسم مفعولی (مخلوق) به کار رفته است. بعضی از قرآن‌پژوهان نیز چندین معنا برای خلق قائل شده‌اند: ۱. ابداع و ایجاد از عدم که این خلق، مختص خدا است، مانند «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (سجده، ۴). ۲. ایجاد چیزی از چیز دیگر، مانند «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (زمر، ۶) و «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْقَةٍ» (نحل، ۴). ۳. استحاله و دخل و تصرف در چیزی، مانند «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَذْنِي» (مائده، ۱۱۰). ۴. اگر خلق در مورد عموم مردم استعمال شود، به دو معنا است: یکی به معنای تقدیر و دیگری به معنای کذب، مانند «وَتَخْلُقُونَ أَفْكَأ» (عنکبوت، ۱۷) (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ ش، ۱۵۷).

مهم‌ترین معنای لغوی خلق، همان ابداع و ایجاد چیزی از عدم است و همان‌طور که راغب و دیگران گفته‌اند، این معنا مخصوص خداوند است: «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ» (فاطر، ۳). واژه خلق، برای انسان هم استعمال می‌شود که در چنین مواردی، به معنای دخل و تصرف در مخلوق خداوند است؛ بدین جهت، خداوند از بنا کردن «ارم» به خلق تعبیر کرده است: «لَمْ يُخْلَقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» (فجر، ۸).

بنابراین آنچه در این تحقیق مد نظر است، تغییر خلقی است که به انسان قابل انتساب باشد؛ یعنی دخل و تصرف در مخلوقات و ایجاد چیزی از چیز دیگر، نه ایجاد چیزی از عدم، که آن مختص خداوند است.

### ۳. تغییر خلق در کلام مفسران

مفسران شیعه و سنی در تفسیر آیه مورد بحث، آراء مختلفی بیان نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- عیاشی در تفسیر خود ذیل این آیه، از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمودند: مقصود از خلق الله دین و اوامر خدا است (عیاشی، بی تا، ۱/۲۷۶).
- علی بن ابراهیم قمی معتقد است که منظور از تغییر، تغییر در امرالله است (قمی، بی تا، ۱/۱۵۳).

- شیخ طوسی در تفسیر این آیات می‌گوید: «وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» اختلافوا فی معناه فقال ابن عباس، و الربیع بن انس عن انس: انه الإخضاء و كرهوا الإخضاء فی البهائم و به قال سفیان، و شهر بن حوشب، و عكرمة و ابو صالح و فی رواية أخرى عن ابن عباس فليغيّر دین الله و به قال ابراهیم و مجاهد و روی ذلك عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهم السلام قال مجاهد: كذب العبد یعنی عكرمة فی قوله: إنه الإخضاء و إنما هو تغيير دين الله الذي فطر الناس عليه فی قوله: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» و هو قول قتادة، و الحسن و السدي، و الضحاک، و ابن زید. و قال قوم: هو الوشم. روی ذلك عن الحسن و الضحاک و ابراهیم ايضاً و عبد الله. و قال عبد الله: لعن الله الواشمات و الموشمات و المتفلجات المغيرات خلق الله و قال الزجاج: خلق الله تعالى الانعام ليأكلوها، فحرموها على أنفسهم و خلق الشمس و القمر و الحجارة مسخرة للناس ينتفعون بها، فعبدوا المشركون و أقوى الأقوال من قال: فليغيّر خلق الله بمعنى دين الله بدلالة قوله: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» و يدخل في ذلك جميع ما قاله المفسرون، لأنه إذا كان ذلك خلاف الدين فالآية تتناولها» (طوسی، بی تا، ۳/۴۶۰).

بنا بر نقل شیخ طوسی در مورد تغییر در خلقت، اقوال زیر بیان شده است:

۱. عده‌ای مانند ابن عباس و ربیع بن انس آن را به معنای اخته کردن بیان کرده و اخته کردن حیوانات را مکروه دانسته‌اند.
۲. ابن عباس و مجاهد به قرینه آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم، ۳۰)، تغییر دین خدا را بیان داشته‌اند و در این زمینه روایتی نیز از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) نقل شده است.
۳. حسن و ضحاک تغییر را به خال‌کوبی تعبیر کرده‌اند.

۴. زجاج می‌گوید: خداوند حیوانات را خلق کرد، تا انسان از گوشت آن بخورد، در حالی که عده‌ای این امر را بر خود حرام کردند، و خورشید و ماه و سنگها را مسخر انسان قرارداد، تا از آنها استفاده کنند، ولی مشرکان آنها را عبادت کردند و اینها همان تغییر در خلقت است که جایز نمی‌باشد.

به نظر شیخ طوسی، نظر اقوی آن است که تغییر در خلق را به دلالت آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»، به معنای تغییر در دین خدا بدانیم و تمام نظراتی که مفسران ذیل این آیه بیان داشته‌اند، در این معنا داخل می‌شود؛ زیرا آنچه بیان شده اگر خلاف دین باشد، در این معنا داخل می‌شود.

- ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر الصافی ذیل آیه مورد بحث می‌گوید: «پندرج فیه کل تغییر لخلق الله عن وجهه من دون اذن من الله و لا ینافیہ التفسیر بالذین لان ذلك كله داخل فیه» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ۵۰۱/۱)؛ یعنی هر تغییری در خلقت خدا بدون اذن الهی را شامل می‌شود و تغییر دین نیز داخل در تغییر خلق خدا است.

- طبرسی در مجمع البیان ضمن بیان نظرات مختلف در مورد آیه، تمایل خود را به معنای تغییر در دین بیان می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۱۹۵/۲).

- صاحب المیزان می‌گوید: بعید نیست که مقصود از خلق الله خروج از حکم فطرت و ترک دین حنیف باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳ش، ۹۸/۵).

- طبری در جامع البیان می‌گوید: «أولی الاقوال بالصواب فی تأویل ذلك قول من قال: معناه و لا مرنهم فلیغیرن خلق الله قال: دین الله و ذلك لدلالة الآیة الاخری علی أن ذلك معناه و هی قوله فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله و اذا كان ذلك معناه دخل فی ذلك فعل كل ما نهی الله عنه و دخل فیه ترك كل ما امر الله به لأن الشيطان يدعو الی جمیع المعاصی و ینهی عن جمیع طاعته» (طبری، ۱۴۱۵ق، ۳۸۶/۵)؛ یعنی وی در مورد معنای خلق الله، معتقد است که منظور دین الله است و از آیه فطرت به‌عنوان قرینه بر این معنا استفاده می‌کند.

- ثعالبی در تفسیر خود پس از نقل قول طبری در مورد تغییر خلق می‌گوید: «و هو حسن» (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ۳۰۲/۲).

- محمدسلیمان اشقر به‌عنوان مخالف شبییه‌سازی می‌گوید: «معنای این آیه از نظر اکثر مفسران آن است که دین حق و توحید در عبادت خدا و به سوی او رو کردن و دوری از شرک و پرهیز از همه مظاهر آن همان فطره الله است که مردم را بر آن سرشته و هرکه آن را دگرگون کند، فطرت تبدیل ناپذیر خدایی را تبدیل کرده است» (اشقر، ۱۴۲۲ق، ۲۳).

- نیشابوری در *ایجاز البیان عن معانی القرآن* بیان می‌دارد که منظور دین خدا است و نقل می‌کند که انس بن مالک این آیه را حمل بر اخته کردن حیوانات کرده است (نیشابوری، ۱۹۹۵م، ۲۵۶).

- سیوطی نیز در *الدر المنثور* به معانی مختلف تغییر خلق از جمله اخته کردن، تغییر دین، تغییرات بدنی و حسی اشاره می‌کند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۲۲۲/۲).

- در *تفسیر المراغی* بیان شده است: «تغییر خلق الله و سوء التصرف فيه شامل للتغییر الحسی كالخصاء و للتغییر المعنوی فالمراد بخلق الله دینه» (مراغی، ۱۳۸۹ق، ۱۶۱/۵).

- فخررازی در تفسیر خود می‌گوید: «ابوصالح گفته است: مقصود اخته کردن و گوش و چشم درآوردن حیوانات است». بعد می‌گوید: «ابن زید گفته است: منظور تخنث (نر کار ماده و ماده کار نر را انجام دهد) است، پس شامل لواط و مساحقه می‌شود» (فخررازی، بی تا، ۴۹/۱۱).

- بیضاوی شافعی در *انوار التنزیل و اسرار التأویل* می‌گوید: «وَ لَأْمُرُهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ عَنِ وَجْهِهِ وَ صُورَتِهِ أَوْ صَفْتِهِ. وَ يَنْدَرُجُ فِيهِ مَا قِيلَ مِنْ فِقْهِ عَيْنِ الْحَامِي، وَ خِصَاءِ الْعَبِيدِ، وَ الْوَشْمِ، وَ الْوَشْرِ، وَ الْلُوطِ، وَ السَّحْقِ، وَ نَحْوِ ذَلِكَ وَ عِبَادَةِ الشَّمْسِ، وَ الْقَمَرِ، وَ تَغْيِيرِ فِطْرَةِ اللَّهِ الَّتِي هِيَ الْإِسْلَامُ، وَ اسْتِعْمَالِ الْجَوَارِحِ وَ الْقَوَى فِيْمَا لَا يَعُودُ عَلَى النَّفْسِ كَمَا لَا وَ لَا يُوجِبُ لَهَا مِنَ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَ تَعَالَى زَلْفَى. وَ عُمُومُ اللَّفْظِ يَمْنَعُ الْخِصَاءَ مَطْلَقًا لَكِنِ الْفُقَهَاءُ رَخَّصُوا فِي خِصَاءِ الْبَهَائِمِ لِلْحَاجَةِ. وَ الْجَمْلُ الْأَرْبَعُ حِكَايَةُ عَمَّا ذَكَرَهُ الشَّيْطَانُ نَطْقًا أَوْ أَتَاهُ فِعْلًا» (بیضاوی، ۱۴۱۰ق، ۳۸۳/۱). به نظر ایشان تغییر خلق، شامل تغییرات مادی و عبادت ماه و خورشید و تغییر در دین می‌شود.

- جصاص در *احکام القرآن* می‌گوید: «تغییر در دین خدا به معنای تغییر احکام الهی است» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ۳۶۸/۱).

### تحلیل و بررسی آیه و روایت تغییر خلق

۱. در تفسیر آیه تغییر خلق غالباً سه نظر عمده وجود دارد:

۱-۱. برخی با توجه به سیاق آیات و بحث از بریدن گوشهای حیوانات، تغییر خلق را به معنای تغییرات جسمانی نادرست گرفته‌اند.

۲-۱. برخی به صراحت گفته‌اند که مقصود از تغییر خلق الله، تغییر دین و اوامر الهی است، نه تغییرات فیزیکی.

۳-۱. برخی نیز برای مفهوم تغییر خلق الله، وجه جامعی ذکر کرده و تغییر را شامل تغییرات مادی و جسمانی و تغییرات معنوی مانند تغییر دین می‌دانند.

بدین ترتیب با توجه به تفاسیر مختلفی که در مورد آیه بیان شده و اینکه اتفاق نظری در مورد معنای تغییر خلق وجود ندارد، استدلال به آیه و مسلم گرفتن معنای تغییر فیزیکی در آن، با وجود



احتمال معانی دیگر صحیح نیست (اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال) و نظری بدون دلیل و از مصادیق مصادره به مطلوب است. در ادامه بحث با ارائه ادله مختلف، ثابت خواهد شد که شبيه‌سازی مصداق هیچ‌یک از معانی سه‌گانه فوق نمی‌باشد.

۲. اگر شبيه‌سازی انسانی تغییر خلق خدا است، شبيه‌سازی نباتات و حیوانات نیز موجب تغییر خلق خدا می‌شود و باید حرام باشد، ولی علمای اهل سنت قائل به جواز شبيه‌سازی حیوانات و نباتات هستند.

به بیانی دیگر می‌توان گفت: اگر گستره معنایی خلق خدا را شامل تمامی پدیدارها و از جمله انسان بدانیم، باور به حرمت تغییر مادی در تمام مخلوقات و پدیده‌ها (حتی مثل آرد کردن گندم و بذر پاشی برای کشاورزی و بافندگی)، مستلزم تالی فاسد است؛ زیرا راه تعامل و ارتباط انسان با طبیعت را می‌بندد و هرگونه استفاده از طبیعت و تصرف در آن حریم، ممنوع به شمار می‌آید، حال آنکه هیچ عاقلی این معنا را تأیید نمی‌کند و به اتفاق چنین فهمی باطل است (قائمی، ۱۴۲۷ق، ۳۴۱).

ممنوع‌انگاری تغییر در طبیعت با آیاتی که طبیعت را مسخر انسان می‌داند و از انسان عمران و آبادانی طبیعت را می‌طلبد، نیز منافات دارد: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱)؛ «اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت». «وَيُؤَاكُمُ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَتَنْجُونَ الْجِبَالَ بَيْوتًا» (اعراف، ۷۴)؛ «شما را در زمین مستقر ساخت که در دشتهایش قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوهها برای خود خانه‌ها می‌تراشید». «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان، ۲۰)؛ «آیا ندیدید خدا آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده است؟». طبق این آیات، تغییر، تحول و بهره‌برداری از زمین و محتویات آن شرعاً جایز است، همچنان‌که تحقیق، تفحص و بهره‌برداری از آسمانها نیز جایز است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (ذاریات، ۲۲). از این آیه معلوم می‌شود که رزق و روزی انسانها در آسمانها و کرات است و به‌دست آوردن روزی از کرات آسمانی هم با تحول و دخل و تصرف در آنها میسر است. بنابراین دخل و تصرف در مصنوعات خداوند با رعایت حرام و حلال الهی، برای انسان جایز است.

شبيه‌سازی هم یک عملیات دخل و تصرف در مخلوقات خداوند است؛ چون اساس آن، سلول است که آن هم ساخته خداوند می‌باشد، نه ساخته انسان. همچنین واضح است که خلق به معنای ابداع شیء، بر شبيه‌سازی انسان صدق نمی‌کند و قرآن هم باصراحت می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ» (حج، ۷۳).

بعضی از علمای اهل سنت می‌پذیرند که شبيه‌سازی به معنای خلق و ابداع نیست و اگر تمام انسانها جمع شوند و فکر، نیرو و امکانات خود را روی هم بگذارند، نمی‌توانند حتی چیز بسیار

کوچکی را ابداع نمایند، ولی از فهم اعتقادی ناصحیح مردم در هراس هستند که شبیه‌سازی را خلق و ابداع بدانند و آهسته آهسته به این باور برسند که بالأخره موجودی در کنار خداوند وجود دارد که بتواند چیزی را خلق نماید و بر همین اساس، شبیه‌سازی را حرام دانسته‌اند. این بحث در کتب الاستنساخ و الانجاب، اثر کارم السید غنیم، الاستنساخ البشری بین القرآن و الحدیث، اثر محمد علوان و الاستنساخ فی میزان الاسلام، اثر عوده‌الله ریاض احمد به تفصیل مطرح شده است. ریاض احمد در این زمینه می‌گوید: «از زمانی که شبیه‌سازی مطرح شده، برخی معتقدند که دانش و دانشمندان در امر آفرینش جای خدا را گرفته‌اند و می‌توانند موجود جدیدی خلق نمایند» (ریاض احمد، ۲۰۰۳م، ۱۴۳). احمد سالم حسن معتقد است: شبیه‌سازی یک نوع خلقت است، مثل خلقت حضرت عیسی (ع) (احمد سالم حسن، ۱۴۲۹ق، ۲۷۰).

این نظر، ایده‌ای نادرست است؛ زیرا احکام شرعی، مبانی خاصی دارند و باید براساس آنها حلیت و حرمت اشیاء و افعال استنباط شود و نمی‌توان به‌بهبانه سست شدن اعتقادات مردم، به حرمت شبیه‌سازی انسان حکم کرد؛ در این صورت باید به حرمت بسیاری از اکتشافات بشری فتوا داد و جامعه مسلمانان را از کاروان علم و دانش، عقب نگه داشت؛ امری که با پیام مؤکد اسلام مبنی بر لزوم فراگیری علم و دانش در هر زمان و مکان و از هرکس منافات دارد. دیگر اینکه باید تلاش شود تا سطح معرفت دینی مردم بالا رود، به‌گونه‌ای که فناوری شبیه‌سازی و امثال آن را دلیلی بر عظمت خداوند متعال بدانند و اعتقادات آنها مبرهن گردد، تا از حالت جهل و بی‌خبری بیرون آیند.

۳. با توجه به آیاتی که در دلیل قبل در زمینه جواز تصرف در طبیعت و مسخر شدن آسمان و زمین برای انسان بیان شد، ممکن است گفته شود که آیه تغییر خلقت شامل نباتات و حیوانات و جمادات نمی‌شود، پس آنچه تحت آیه حرمت تغییر باقی می‌ماند، تغییر در انسان است که از این طریق حرمت شبیه‌سازی انسان به دست می‌آید. اما در این تحقیق با استناد به ادله آتی، به این نتیجه می‌رسیم که آیه تغییر شامل شبیه‌سازی انسانی و تغییر فیزیکی در انسان نیز نمی‌شود.

۴. اگر آیه تغییر خلق را مختص به انسانها بدانیم و معتقد شویم که منظور آیه، حرمت تغییر در انسان می‌باشد، آنگاه خروج تمامی پدیده‌های طبیعی (که هم عنواناً و هم مصداقاً زیاد هستند) از تحت آیه، از مصادیق تخصیص اکثر است که نزد عقلا مردود و مستهجن است.

۵. بریدن یا سوراخ کردن گوش چهاربایان که در فراز قبلی آیه بیان شده و شیطان مشرکان را بدان فراخوانده، به صورت شفاف تغییر جسمی در مخلوقات خدا است، پس در فراز بعدی آیه نباید همان مطلب به صورت مجمل بیان شود؛ چون خلاف فصاحت است؛ زیرا قانون کلام فصیح

عرب آن است که مجمل را با مفسر و عام را با خاص توضیح دهند، نه برعکس (طبری، ۱۴۱۵ق، ۳۸۷/۵).

۶. خلقت خدا در زمینه تولید مثل انسانی، منحصر به روشهای جنسی نمی‌باشد، تا نتیجه شود که شبیه‌سازی انسانی موجب تغییر در خلق خدا می‌شود؛ زیرا خداوند در قرآن از خلقت حضرت آدم و حوا که بدون پدر و مادر و همچنین حضرت عیسی که بدون پدر متولد شده، حکایت می‌کند و این بیانگر عدم انحصار تولید مثل به روشهای جنسی است.

۷. اگر مقصود از تغییر خلق الله، تغییرات فیزیکی نامناسب در بدن و دفورمه ساختن آن باشد، در آن صورت بر شبیه‌سازی انسانی لزوماً منطبق نخواهد بود؛ زیرا در اینجا مفروض آن است که از این طریق، موجودی که از نظر ژنتیک تطابقی در حد ۹۸ درصد با موجود اصلی دارد، ایجاد می‌شود (اشقر، ۱۴۲۲ق، ۲۳).

به عبارت دیگر می‌توان گفت ظاهر آیه تغییر خلقت می‌فهماند که مقصود از تغییر خلقت، معارضه و رویارویی فعل شیطان با خلقت خدا است، ولی در شبیه‌سازی انسان، در واقع معارضه نیست، بلکه شبیه‌سازی است.

۸. آیاتی که در ابتدای بحث بیان شد که به تولید مثل انسانی به روشهای جنسی اشاره می‌کنند، حکایت از روش معمول و غالب دارند؛ یعنی غالب انسانها برای تولید مثل از روشهای جنسی استفاده می‌کنند و این با ابداع روش جدید در تولید مثل منافات ندارد.

۹. آیات مذکور به صورت اخباری بیانگر رخداد یا سنت الهی در تولید مثل می‌باشند و از آنها نمی‌توان حکم انشائی و جوب تولید مثل به روش جنسی را به دست آورد و در هیچ آیه قرآن یا حدیث نبوی نیامده که تولید مثل باید از مسیر آمیزش جنسی انجام گیرد.

۱۰. بسیاری از علمای اهل سنت، درمان زن عقیم و همچنین لقاح برون رحمی را جایز و حتی بعضی آن را واجب دانسته‌اند، در حالی که این دو نیز نوعی تغییر در خلق خدا محسوب می‌شوند، بنابراین به‌عنوان جوابی نقضی می‌توان گفت: به همان ملاکی که این دو مجاز شمرده شده‌اند، می‌توان شبیه‌سازی را نیز مجاز دانست.

۱۱. آیه فطرت که اهل سنت بدان استناد کرده‌اند، به صراحت تبدیل خلق خدا را نفی می‌کند و این امر مورد قبول شیعه و سنی است، آنچه محل اختلاف است، اینکه منظور از این خلق چیست؟ امامیه معتقد است که منظور از خلق، دین و احکام الهی است که هیچ‌کسی نمی‌تواند از جانب خود آن را تغییر دهد و اگر خلق را به این معنا بگیریم (که معنای صحیح همین است و صدر این آیه دلالت بر آن دارد)، از این آیه، حرمت شبیه‌سازی که نوعی تغییر در مخلوقات است، به دست نمی‌آید.

۱۲. حدیث یاد شده در مسئله تغییر خلق نیز حجیت ندارد؛ چون قول عبدالله بن مسعود است، نه قول معصوم و بنابر نظر علمای تشیع و محققان اهل سنت، قول صحابی حجت نیست. اما بر فرض که قول ایشان حجت باشد، تفلیح (فاصله انداختن بین دندانها)، وشم (خال کوبی) و نمص (بند انداختن به صورت) تغییر در جسم هستند که انسان را به گونه‌ای دیگر، غیر از گونه‌ای که خداوند او را به وجود آورده است، نشان می‌دهد و این کار بر شبیه‌سازی که ایجاد نمونه‌ای طبق اصل خود است، منطبق نمی‌شود، مگر اینکه منجر به کارهایی مثل به وجود آمدن مرغ شش پا یا مرغ دوسر یا گاو یک چشم بشود (همان).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت که آیه مورد بحث از اساس ناظر به تغییرات مادی در انسان و طبیعت نیست، بلکه در صدد تحذیر انسانها از تغییر در دین و احکام الهی است که بر این معنا، قرائنی از آیات قرآن (مثل آیه فطرت) و روایات معصومان(ع) وجود دارد. بنابراین با استناد به آیه تغییر خلق خدا، نمی‌توان شبیه‌سازی انسانی را تحریم نمود.

### نتیجه

۱. شبیه‌سازی انسانی به عنوان یک پدیده نوظهور در زمینه تولید مثل انسانی، با آراء و نظرات مختلف فقها و علمای دین مواجه شده است. بسیاری از فقهای شیعه قائل به جواز این عمل شده‌اند و علمای اهل سنت به اتفاق قائل به حرمت آن می‌باشند.

۲. از جمله ادله تحریم این عمل، تغییر خلق خدا است که در آیه ۱۱۹ سوره نساء از اعمال شیطان معرفی شده است و چون شیطان به منکر و فحشا امر می‌کند، بنابراین این عمل حرام می‌باشد.

۳. شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه بسیاری از فقهای امامیه، به دلایل زیر، از مصادیق تغییر خلق خدا نمی‌باشد.

۱-۳. با استناد به آیه فطرت و روایات وارده از ائمه معصومان(ع)، منظور از خلق در آیه، دین و احکام الهی است، بنابراین تغییر و تحریف آن حرام است و این ربطی به شبیه‌سازی انسانی که تغییر در مخلوق خدا است، ندارد.

۲-۳. تولید مثل انسانی منحصر به روش جنسی نمی‌باشد که شبیه‌سازی موجب تغییر خلق خدا شود، بلکه در عالم خلقت مصادیقی از تولید مثل وجود دارد که براساس روشهایی غیر از روش جنسی ایجاد و تولید شده‌اند.

۳-۳. علمای اهل سنت خود در بسیاری موارد از جمله تلقیح مصنوعی و درمان زن عقیم که از مصادیق تغییر در خلق خدا است قائل به جواز شده‌اند. به همان ملاکی که این امور مجازند، می‌توان قائل به جواز شبیه‌سازی انسانی شد.

۴. از مجموع ادله مطروحه در این تحقیق می‌توان به این نتیجه رسید که آیه تغییر خلق خدا، شامل شبيه‌سازی انسانی نمی‌شود و بنا به مقتضیات جوامع انسانی و نیاز بشر به روشهای جدید تولید مثل و لزوم پویایی فقه اسلامی در ادوار مختلف حیات بشری و با استناد به اصالة‌الاباحة می‌توان قائل به جواز شبيه‌سازی انسانی شد.

### فهرست منابع

- قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، الهلال، بی‌تا.
- احمد سالم حسن، عایشه، الاحكام المتصلة بالحمل في الفقه الاسلامی، بيروت، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر، ۱۴۲۹ق.
- اشقر، محمد سلیمان، الابحاث الاجتهادية في الفقه الطیبی، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۲ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بيروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۰ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر ثعالبی، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- جصاص، ابوبکر احمد بن علی، احکام القرآن، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، مسائل مستحدثه پزشکی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم، مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- ریاض احمد، عودة الله، الاستسناخ فی میزان الاسلام، عمان، داراسامه، ۲۰۰۳م.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بيروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- صارمی، ابوطالب، کلونینگ (شبيه‌سازی)، تهران، جهان رایانه، ۱۳۸۲ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ش.
- طبرسی، ابی‌علی فضل بن حسن، مجمع البیان، بيروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان، بيروت، مؤسسة الأعلمی، بی‌تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا.
- فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، تهران، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بی‌تا.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
- قائمی، محمد، المبسوط فی فقه المسائل المعاصره، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۷ق.
- قرضاوی، یوسف، «شبيه‌سازی»، ترجمه نورالدین سعیدیان، مجله دین پژوهان، شماره ۳، ۱۳۸۲ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، بی‌تا.
- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بيروت، دارالفکر، ۱۳۸۹ق.
- نسائی، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب، السنن الکبری، بيروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

- نورمحمدی، غلامرضا، *شبیه‌سازی انسان بیمه‌ها و امیدها*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴ ش.
- نیشابوری، محمود بن ابی‌الحسن، *ایجاز البیان عن معانی القرآن*، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۵ م.